

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۲۵ جولای ۲۰۱۵

حمایت شورای امنیت ملل متحد از توافق هسته‌ای حکومت اسلامی ایران و گروه ۵+۱!

۲

ادامه درگیری لفظی بین مقامات حکومت اسلامی و امریکا

وزیر دفاع امریکا گفته است، توافق هسته‌ای به دست آمده میان ایران و قدرت‌های جهانی، گزینه نظامی در برابر ایران را نیز حفظ می‌کند، وزیر خارجه ایران در این باره ابراز «تأسف» کرده و گفت که «کسانی همچنان از کاربرد غیرقانونی و نامشروع زور برای دستیابی به مقاصد توهم‌آمیز خود سخن می‌گویند.»

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه حکومت اسلامی ایران، دوشنبه ۲۹ تیر در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا، افزود، «آن‌ها که دم از زور می‌زنند و اصرار بی‌هوده بر حفظ یک گزینه از پیش ناکارآمد دارند، فاقد ظرفیت و توانایی لازم برای مدیریت، پیش‌برد و تثبیت دیپلماسی هستند.»

سخنان ظریف پس از آن بیان می‌شود که اشنون کارتر، وزیر دفاع امریکا یکشنبه شب، ۲۸ تیر، در بدو ورود به اسرائیل گفت، توافق به دست آمده در مذاکرات وین، گزینه نظامی علیه ایران را از بین نبرده است.

جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید نیز شنبه ۲۷ تیر، گفته بود با اجرای توافق با ایران و بازرسی‌ها از تأسیسات این کشور، در صورت نیاز به اقدام نظامی، اطلاعات بیشتری برای حمله در دست خواهیم داشت.

از سوی دیگر، جو بایدن، معاون رئیس جمهوری امریکا، روز ۲۴ تیر خطاب به اعضای دمکرات کنگره امریکا گفت هیچ موردی در توافق اتمی با ایران نیست که گزینه نظامی علیه تهران را منتفی کند.

باراک اوباما نیز هفته گذشته به نیویورک تایمز گفته بود، امریکا اگر اراده کند، می‌تواند قوای نظامی ایران را منهدم کند.

در این میان، اشنون کارتر، وزیر دفاع امریکا، که از سوی اوباما برای دادن اطمینان به امنیت اسرائیل راهی این کشور شده است، دیدارهای خود را با مقامات اسرائیل دوشنبه ۲۹ تیر با دیدار با همتای اسرائیلی‌اش، جنرال موشه یعلون با گفتن این که «توافقی خوب» با ایران به دست آمده است، آغاز کرد.

به گزارش رادیو اسرائیل، جنرال یعلون در این دیدار در محل وزارت دفاع اسرائیل در تل‌آویو، ضمن ابراز امتنان کشورش از یاری‌های امریکا، به وجود اختلافات عمده میان دو کشور، از جمله بر سر توافق هسته‌ای اعلام شده با ایران، اذعان کرد.

اما کارتر در این دیدار، همپیمانی امریکا با اسرائیل را مانند یک «صخره استوار، با صلابت و تزلزل‌ناپذیر» نامید. در همین حال، به گزارش منابع پنتاگون، کارتر گفته است، برای تغییر نظر اسرائیل در مورد توافق هسته‌ای با ایران تلاش نخواهد کرد.

قرار است اشتون کارتر اوایل دوشنبه ۲۹ تیر یا بامداد سه‌شنبه ۳۰ تیر با نتانیاوو، که توافق هسته‌ای با ایران را «اشتباهی در ابعاد تاریخی» نامیده، دیدار کند.

نتانیاوو یکشنبه ۲۸ تیر در مصاحبه‌هایی با رسانه‌های امریکا، ضمن فراخواندن کنگره به رد توافق به دست آمده با ایران، این را نیز گفت که هیچ غرامتی از سوی امریکا اسرائیل را راضی نخواهد کرد. مقام‌های اسرائیلی، مدعی شده‌اند که به خاطر توافق اتمی به دست آمده میان ایران و قدرت‌های جهانی، «خطرات امنیتی» برای اسرائیل بیشتر شده است.

این در حالی است که بارک اوباما، گفته است به خاطر این توافق، اسرائیل و دنیا امن‌تر می‌شود. اما در عین حال، امریکا در نظر دارد کمک‌های نظامی به اسرائیل را در یک دوره ده ساله؛ از سال ۲۰۱۷، به سه میلیارد و هفتصد میلیون دلار در هر سال افزایش دهد اما احتمال افزایش آن تا حداکثر چهار میلیارد و پانصد میلیون دلار نیز مطرح شده است.

از سوی دیگر، در حالی که وزیر دفاع اسرائیل جمعه گذشته از درخواست این کشور برای دریافت کمک‌های تسلیحاتی بیشتر از امریکا سخن گفت و همتای امریکائی او نیز هفته قبل آمادگی امریکا را برای بهبود امنیت اسرائیل اعلام کرد، خبرگزاری آسوشیتدپرس یکشنبه ۲۸ تیر به نقل از منابع پنتاگون، نوشت که امریکا طرحی برای «دادن غرامت» به اسرائیل بابت توافق اتمی با ایران ندارد. کارتر بعد از اسرائیل به عربستان و احتمالاً به اردن نیز سفر می‌کند.

همچنین وزیر امور خارجه امریکا که با شبکه العربیه مصاحبه می‌کرد، درباره سخنان خامنه‌ای گفت: اما می‌دانم که اغلب اظهاراتی که بیان می‌شوند در مقام عمل به گونه دیگری درمی‌آیند، اگر این سیاست است بسیار نگران کننده و مشکل ساز است.

آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، در روز عید فطر با اشاره به شعارهای «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر امریکا» ملت ایران در روز جهانی قدس خاطر نشان کرد و گفت: جهت‌گیری‌های عظیم حرکت ملت را باید از این شعارها درک کرد نه از زبان مغرض بیگانگان که متأسفانه در داخل نیز برخی کج فهم‌ها آن‌ها را تکرار می‌کنند.

خامنه‌ای در خطبه دوم نماز با اشاره به حوادث ناگوار منطقه، گفتن: متأسفانه دست‌های نامبارک و سیه کار، ماه مبارک رمضان را برای بسیاری از ملت‌های منطقه در یمن، بحرین، فلسطین و سوریه، تلخ و سخت دشوار کردند که این مسائل برای مردم ایران مهم است.

او با انتقاد شدید از سیاست‌های امریکا در «حمایت از دولت تروریستی و کودک کش صهیونیسم و تروریست خواندن مجاهدان فداکار حزب الله لبنان» افزودند: سیاست‌های ما و امریکا در منطقه صد و هشتاد درجه اختلاف دارد بنابراین چگونه می‌توان با آن‌ها گفتگو و مذاکره کرد.

سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا نیز به این سخنان خامنه‌ای واکنش نشان داد و خواستار امکان دسترسی امریکا به لیستی از «امکانات، افراد و اطلاعات» برنامه هسته‌ای و نظامی ایران شد.

«ماری هارف» ابتدای سخنانش گفت که ایالات متحده بنا ندارد در فضای عمومی با ایران مذاکره کند و قصد ندارد به هر اظهار نظر رهبر ایران پاسخ دهد. او در ادامه گفت: امریکا با ایران توافق کرده که در طی فرآیندی مشخص،

ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران بررسی شود که این شامل امکان دسترسی به افراد، اطلاعات و تأسیسات است.

هارف تأکید کرد که ایالات متحده پیش از این هم به طور روشن اعلام کرده که اگر به تضمین‌های لازم برای دسترسی به ابعاد فعالیت‌های هسته‌ای ایران دست پیدا نکند، توافق نهائی را امضاء نخواهد کرد.

نگاهی به روند فعالیت‌های هسته‌ای حکومت اسلامی ایران و مذاکرات

سازمان انرژی اتمی در ایران توسط شاه بنیان گذاشته شد و خیلی زود پای شرکت‌های معتبر غربی از امریکا، المان و فرانسه به ایران باز شد. اما عمر تکنولوژی هسته‌ای در ایران قبل از انقلاب کوتاه بود و نتوانست به صورت موثر خودش را تثبیت کند. هرچند کار ساختمان رآکتور اتمی بوشهر (که در اصل دو رآکتور بود) در سال ۱۹۷۴ شروع شده، قرارداد همکاری‌های تکنولوژیک از سال ۱۹۷۶ به امضاء رسید. ایران یکی از ۵۱ کشوری بود که از همان آغاز پیمان معروف به منع تولید و تکثیر تسلیحات هسته‌ای، ان‌پی‌تی، را امضاء کرده بود.

پس از سرنگونی حکومت پهلوی، و استقرار حکومت اسلامی با سرکوب خونین دستاوردها انقلاب ۵۷، ظاهراً آیت‌الله خمینی علاقه‌ای به پیگیری برنامه هسته‌ای شاه نداشت و همه چیز در بوشهر به صورت متروکه‌ای درآمد. تنها رآکتور پنج مگاواتی آزمایشی انتهای خیابان امیرآباد تهران به فعالیت خود که بیش‌تر جنبه تجربی و دانشگاهی داشت به کار خود ادامه داد.

حکومت اسلامی ایران، در مقطعی در دوران پس از انقلاب ۱۳۵۷، ظاهراً برنامه‌ای برای ساخت تسلیحات اتمی نداشته و حتی ادامه ساخت نیروگاه اتمی بوشهر نیز یک دهر نیمه‌کاره رها شده بود.

اما با نگاهی به روند تاکنونی مذاکرات اتمی حکومت اسلامی ایران با گروه پنج به علاوه یک، می‌بینیم که روال کم و بیش مشابهی طی کرده است. از یک طرف فشار بر حکومت اسلامی ایران و از طرف دیگر، باز کردن مسیر همکاری بوده است. اما در دوره‌هایی بازیگران جدیدی به این تاریخچه اضافه شده‌اند. همان‌گونه که تا قبل از دور دوم ریاست جمهوری اوباما، امریکا فقط به نحوی غیرمستقیم در مذاکرات شرکت داشت، ولی بعد از روی کار آمدن اوباما، او به بازیگر اصلی در صحنه مذاکرات تبدیل شد. همچنین مذاکراتی که در دوره خاتومی و احمدی‌نژاد در جریان بود اکنون در دوره روحانی، به یک توافق منجر شده است.

با طولانی شدن جنگ ایران و عراق، تا حدودی نظر خمینی و اطرافیان او نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای تغییر پیدا کرد. در طول جنگ هشت ساله با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، فکر و سیاست پیگیری برنامه اتمی حکومت پهلوی، به عنوان یک عامل «قدرت» مورد توجه سران حکومت اسلامی قرار گرفت. اما بازیگران اصلی سیاست جهانی، حاضر به همکاری با حکومت اسلامی نبودند. ظاهراً ماجرای گروگان‌گیری دیپلمات‌های امریکائی، یک عامل بازدارنده در روابط بین‌المللی حکومت اسلامی ایران بود. تا این که از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴، نام حکومت اسلامی ایران، به لیست دولت‌های حامی تروریسم افزوده شد و با تحریم‌های ناشی از آن، هیچ کشوری حاضر نبود در مورد فعالیت هسته‌ای با حکومت اسلامی ایران همکاری کند.

اما گفته می‌شود اواخر دهه ۱۹۸۰، شبکه دانشمند پاکستانی «عبدالقادرخان» الگویی را در اختیار حکومت اسلامی ایران قرار داد که بعدها اولین سانتریفیوژها از روی آن الگو ساخته شدند.

حکومت اسلامی ایران، قراردادی در سال ۱۹۸۷ با حکومت آرژانتین امضاء کرد، رآکتور آزمایشگاهی پنج مگاواتی تهران که در واقع با سوخت اورانیوم با غلظت بسیار بالای ۹۳ درصد کار می‌کرد برای کار با سوخت کم‌تر از ۲۰

درصد تبدیل و بازسازی شد. اما ظاهراً این اقدامات چندان پیشرفتی نداشت و پس از شش سال در ۱۹۹۳ خاتمه یافت. در واقع اولین محموله سوخت را هم به میزان ۱۱۵ کیلوگرم خود آرژانتین داد.

اولین تحریم‌های مهم در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای حکومت اسلامی ایران، در نتیجه مصوبه قانونی توسط کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۲، برمی‌گردد که انتقال تکنولوژی را به ایران و همچنین عراق ممنوع اعلام می‌کند.

در ژانویه ۱۹۹۵، ایران و روسیه قراردادی را به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار امضاء کردند که بر اساس آن روس‌ها تعهد نمودند طی یک دوره چهار ساله یکی از دو رآکتور اتمی بوشهر را که در جنگ ایران و عراق، چند بار توسط نیروی هوایی عراق بمباران شده بود بازسازی و با تبدیل تکنولوژی سازنده اصلی المانی به تکنولوژی روسی آن را به راه بیندازند. اما این قرارداد، سر انجام به جای چهار سال در پانزده سال به ثمر رسید و در سال ۲۰۱۰ تکمیل شد، ولی این رآکتور هنوز در مقاطع مختلف دچار نقص‌هایی و از فعالیت باز مانده است.

در سپتامبر ۲۰۰۳، هیئت حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای (IAEA) قطعنامه‌ای تصویب و از حکومت اسلامی ایران خواست که هرگونه فعالیت و غنی‌سازی را به حالت تعلیق درآورد. به عقیده البرادعی، مدیرکل آژانس انرژی هسته‌ای، حکومت اسلامی ایران از تعهدات خود نسبت به پیمان عدول کرد و اجازه بازدید از کلیه تأسیسات خود را به این سازمان نداد.

اولین مذاکره حکومت اسلامی ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی، با هدف کاهش نگرانی جامعه بین‌الملل در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ و در زمان دولت محمد خاتومی انجام گرفت. حکومت اسلامی ایران، با هدف جلوگیری از شورای امنیت سازمان ملل، مذاکراتی را با نمایندگان بریتانیا، فرانسه و آلمان (موسوم به گروه ۳-EU) آغاز کرد. در پی این مذاکرات بود که حکومت اسلامی ایران موافقت کرد که موقتا کلیه فعالیت‌های تبدیل اورانیوم و غنی‌سازی را «به حالت تعلیق درآورد» و علاوه بر آن، با امضای پروتکل الحاقی اجازه بازدیدهای اتفاقی و سرزده آژانس را فراهم کند.

هنوز سه هفته پیش‌تر این مذاکرات نگذشته بود که البرادعی مدیرکل آژانس اعلام کرد ایران پذیرفته است: «کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود را به روشنی تحت کنترل آژانس قرار بدهد.»

اما روابط بین آژانس و حکومت اسلامی ایران، بار دیگر دچار تسدد شد و برای دومین بار البرادعی در جون ۲۰۰۴ اعلام کرد که حکومت اسلامی ایران، از ابهامات موجود در مفهوم «حالت تعلیق» بهره‌برداری کرده و به تولید قطعات قابل استفاده در سانتریفیوژها پرداخته است.

آژانس در این مقطع اطلاعاتی کسب کرد که نشان می‌داد حکومت اسلامی ایران، طرح‌های اجزای سانتریفیوژها را در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به طور مخفیانه از طریق یک «واسطه خارجی» وارد کرده است. ایران این مسأله در آن زمان انکار کرد اما بعدها و در سال ۲۰۰۷، حکومت اسلامی ایران اقرار کرد که این واسطه همان شبکه توزیع «عبدالقادرخان» پاکستانی بوده است.

حکومت اسلامی ایران، در برابر فشارهای بین‌المللی، به مذاکرات با ۳-EU ادامه داد و سرانجام قرارداد پاریس را در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ امضاء شد و بر اساس آن توافق گردید که: تعلیق عملیات تبدیل و غنی‌سازی به طور موقت ادامه داشته باشد با این تفاوت که به منظور جلوگیری از ابهامات در این قرارداد فعالیت‌های غنی‌سازی مفهومی وسیع‌تر یافته ساخت، نصب، آزمایش و راه‌اندازی سانتریفیوژها را هم در برگیرد. مهم‌ترین اصل قرارداد پاریس این بود که ایران پذیرفت مذاکره با ۳-EU را با جدیت و پیگیرانه ادامه دهد تا به یک راه حل دیپلماتیک برسد.

جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا، با امضای حکمی حکومتی در ماه جون ۲۰۰۵، اقدام به مصادره اموال و مالکیت‌های مرتبط با تولید تسلیحات دارای قدرت کشتار وسیع نمود و در نتیجه نام سازمان انرژی اتمی ایران نیز به عنوان یکی از هشت واحد مرتبط در لیست ضمیمه این دستورالعمل قرار گرفت.

متعاقب این اقدام بوش، در ماه اوت همان سال، EU-3 پیشنهاد یک قرارداد درازمدت را داد که ایران را متعهد می‌کرد غنی‌سازی اورانیوم و دیگر تکنولوژی‌های تولید سوخت اتمی را به مدت ۱۰ سال متوقف کند و در مقابل تضمین می‌کرد که سوخت لازم به ایران تحویل و ضایعات آن جمع‌آوری شود. علاوه بر آن به حکومت اسلامی ایران، وعده داده شد که در مجموعه‌ای از همکاری‌های سیاسی و امنیتی منطقه مشارکت داشته باشد. اما حکومت اسلامی ایران، با آغاز عملیات تولید اورانیوم هگزافلوراید در تأسیسات اصفهان، موجب متوقف شدن مذاکرات با بریتانیا، المان و فرانسه شد.

آژانس هم در نشست سپتامبر همان سال، قطعنامه‌ای را علیه ایران با حمایت ۲۲ عضو در برابر رای ممتنع یک عضو، به تصویب رساند. در این قطعنامه، ایران به عدم توانایی در اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌هایش متهم شد.

در ماه جون ۲۰۰۶، در بحبوحه جنگ لفظی بین ایران و آمریکا، پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد (امریکا، انگلیس، روسیه، چین و فرانسه) به علاوه المان که عضو شورای امنیت نیست ولی در عرصه اقتصادی و سیاسی جایگاه مهمی در سطح بین‌المللی دارد تصمیم گرفتند به مذاکرات با حکومت اسلامی ایران ادامه بدهند. این دولت‌های قدرتمند جهانی، که به نام گروه پنج به علاوه یک (P5+1) شناخته می‌شوند پیشنهاد درازمدتی را به مذاکره‌کنندگان ارائه کردند، از جمله همکاری‌های درازمدت و مساعدت‌هایی را در زمینه هواپیمایی کشوری، مخابرات و سایر بخش‌ها به ایران وعده دادند و علاوه بر آن، پیشنهاد ساخت مشترک راکتورهای اتمی آب سبک را نیز به حکومت اسلامی ایران دادند.

اما حکومت اسلامی ایران، این پیشنهادات را نپذیرفت، به طوری که شورای امنیت سازمان ملل در پایان ماه جولای همان سال، مداخله و با حمایت از پیشنهاد ۱+۵، خواهان آن شد که حکومت اسلامی ایران، یا در مدت یک ماه کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی و تولید سوخت اتمی خود را متوقف کند و گرنه منتظر تحریم‌های سازمان ملل باشد.

از این تاریخ به بعد، در رابطه با محاصره اقتصادی، پای شورای امنیت نیز به فعالیت هیا هسته ای حکومت اسلامی ایران کشیده شد. تا این که در ماه دسامبر همان سال، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه دومی را تصویب کرد و انتقال هرگونه مواد را که در تکنولوژی راکتی و هسته‌ای کاربرد داشته باشند به ایران ممنوع کرد و منابع مالی واحدها و افرادی را که با برنامه مجادله‌انگیز ایران مرتبط بودند مسدود نمود.

در فاصله‌ای کمتر از سه ماه (مارس ۲۰۰۷)، شورای امنیت قطعنامه سومی را تصویب و صادرات تسلیحاتی ایران را به خارج ممنوع و لیست واحدها و افراد تحریم شده را نیز گسترش داد.

طی دو ماه جولای و اوت همان سال، مقامات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و ایران پس از سه دور مذاکره بر یک «طرح کاری» توافق کردند که حکومت اسلامی ایران درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود روشن‌گری کند و به سوالات معوقه آژانس جواب دهد.

در چارچوب همین طرح کار البرادعی بود که حکومت اسلامی ایران، اقرار کرد از شبکه توزیع دانشمند پاکستانی عبدالقادر خان کمک‌های تکنولوژیکی دریافت کرده است.

اما نمایندگان حکومت اسلامی ایران، از پاسخ‌گویی به سؤالاتی که نگرانی اصلی جامعه بین‌الملل را تشکیل می‌داد خودداری کردند. از جمله این سؤالات که آیا ایران در گذشته، اقدام به انفجار اتمی آزمایشی یا تبدیل اورانیوم برای کاربردهای نظامی ولو در حد آزمایشگاهی و کوچک کرده است یا خیر؟ سؤال دیگری که برای جامعه بین‌الملل اهمیت دارد کسب اطلاع در مورد میزان توانایی یا کوشش برای تولید ابزارهایی است که در ساخت ماشه انفجاری اتمی یا تولید کلاهک برای نصب در راکت‌های بالیستیک است. از این‌رو، مورد راکت‌های بالیستیک هم بخشی از مسائل مرتبط به مذاکرات را تشکیل می‌دهد.

در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ کشمکش شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و حکومت اسلامی ایران، به یک جنجال تبلیغاتی تبدیل شد. سرانجام در اوایل فوریه ۲۰۰۹، حکومت اسلامی ایران، اعلام کرد که اولین ماهواره خود را با موفقیت به فضا پرتاب کرده است. در نتیجه این ظن در عرصه بین‌المللی تقویت شد که بین تکنولوژی راکتی و فضائی ایران از یک طرف و برنامه هسته‌ای ایران ارتباط وجود دارد و قصد ایران از طولانی و فرسایشی‌کردن مذاکرات، در حقیقت تکمیل آزمایشات نظامی و تولید بمب اتمی‌اش است.

در ماه آوریل ۲۰۰۹ باراک اوباما، سیاست‌های خود را در قبال ایران مورد تجدید نظر قرار داد و اعلام کرد که آمریکا از آن پس در مذاکرات ۱+۵ مشارکت مستقیم خواهد داشت. در جون ۲۰۰۹، محمود احمدی‌نژاد برای بار دوم و در میان اعتراضات و تخلف آشکار در انتخابات و با دخالت و حمایت مستقیم خامنه‌ای، به ریاست جمهوری رسید. در ماه سپتامبر، برای خنثی‌سازی اخبار محرمانه‌ای که در غرب در مورد فعالیت‌های اتمی ایران منتشر شده بود دولت احمدی‌نژاد به آژانس انرژی هسته‌ای اطلاع داد که در اعماق کوه‌های فوردو نزدیک شهر قم و در محوطه‌ای که مورد حفاظت سپاه پاسداران قرار دارد اقدام به ساخت تأسیسات زیرزمینی حفاظت شده‌ای برای غنی‌سازی اورانیوم کرده است. ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه هم اطلاعات دیگری را در اختیار آژانس قرار دهاد که از منابع جاسوسی تهیه شده و حکومت اسلامی ایران، آن‌ها را مخفی نگه داشته بود.

در ادامه سیاست اوباما با سران حکومت اسلامی ایران، آمریکا در اکتبر ۲۰۰۹، پیشنهاد داد در مقابل دست‌کشیدن از تکنولوژی هسته‌ای، سوخت و اورانیوم با غلظت پائین مورد نیاز در اغلب تأسیسات ایران را تأمین کند. این پیشنهاد با پیشنهاد متقابل حکومت اسلامی ایران، سبب شد که هر دو پیشنهاد کنار گذاشته شود و فراموش گردد.

سال ۲۰۱۱، مذاکرات پنج به علاوه یک با ایران در استانبول ترکیه بدون نتیجه خاتمه یافت و بالاترین مقام دیپلماسی اروپا، کاترین اشتون، نسبت به نتایج گفت‌وگوها ابراز ناامیدی کرد.

در ماه مه ۲۰۰۱، اوباما در یک سخنرانی در کنفرانس سیاست‌گذاری ایپیک (لابی نزدیک به اسرائیل)، تأکید کرد که به ممانعت از دستیابی ایران به سلاح اتمی همچون گذشته متعهد است. اما شش هفته بعد از آن سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه خبر از رهیافت «گام به گام» روسیه برای مذاکره و حل و فصل معضل اتمی ایران داد. هدف از این طرح کاهش گام به گام، تحریم در برابر اقدامات گام به گام ایران در جهت کاهش نگرانی‌ها و تأمین اعتماد جامعه بین‌الملل است.

در ادامه همین رهیافت کاترین اشتون نیز در ماه اکتبر ۲۰۱۱، نامه‌ای به سرپرست تیم مذاکرات ایران، سعید جلیلی، فرستاد و از او خواست که وارد بحث اعتمادسازی جدی شده و نگرانی جامعه بین‌الملل را برطرف کند. اما دو هفته بعد گزارش‌های جدیدی در مورد این که ایران حتی بعد از سال ۲۰۰۳ درگیر توسعه برنامه اتمی نظامی بوده است منتشر شد. پس از آن، دولت اوباما مجوزی را از کنگره گرفت که به دولت اجازه داد بانک‌های خارجی طرف معامله با بانک مرکزی ایران را مورد تحریم قرار دهد.

سال ۲۰۱۲، سال افزایش فعالیت‌های هسته‌ای ایران در زمینه تعداد سانتریفیوژهای فعال است که بر اساس تعبیری که ایران از معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی دارد ممنوع نشده اما بر اساس برداشت جامعه بین‌الملل نشانه تمایل ایران به تولید و افزایش ظرفیت هسته‌ای نظامی است.

در طول سال ۲۰۱۲، بیش‌ترین مذاکرات بین ایران و پنج به علاوه یک انجام شد. آغاز مذاکرات توسط آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای صورت گرفت ولی تقریباً هم‌زمان ایران با نمایندگان پنج به علاوه یک نیز به مذاکره روی آوردند.

ملاقات‌ها و مذاکرات در استانبول، بغداد و مسکو دنبال شد. به نظر می‌رسید دولت احمدی‌نژاد از پیشنهاد برای مذاکره در بغداد و ترکیه اهداف سیاسی و منطقه‌ای دیگری را دنبال می‌کند که در هر حال نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. استراتژی دولت احمدی‌نژاد از طریق جلیلی سرپرست تیم مذاکره‌کنندگان این بود که از طرفی پیشرفت‌های ایران را چه از نظر افزایش کیفی و کمی اورانیوم غلیظ شده به اطلاع جهانیان برسانند و از طرف دیگر، خود را علاقه‌مند به مذاکرات و رسیدن به یک راه حل قابل قبول طرفین نشان بدهند. در عمل هیچ یک از طرفین کوتاه نیامدند و با وجود ژست‌های دیپلماتیک و ملاقات‌های متعددی که بین جلیلی و اشتون صورت گرفت مذاکرات پیشرفتی نداشت. در نتیجه تهدیدها و تحریم‌ها علیه ایران نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش نیز پیدا کرد.

در ماه سپتامبر، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل خط قرمز خود را در مورد اتمی شدن ایران ترسیم می‌کند و مدعی شد که ایران دارد به خط قرمز تولید بمب نزدیک می‌شود. در نوامبر همان سال آژانس اطلاع داد که ایران ۲۸۰۰ سانتریفیوژ در مجتمع مخفی فوردو و تعدادی دیگر در نطنز نصب کرده اما میزان تولید اورانیوم غنی‌شده افزایش نداشته است.

در ماه آوریل ۲۰۱۳، بار دیگر کشورهای پنج به علاوه یک و حکومت اسلامی ایران، در آلمانی قزاقستان گردهم آمدند. سرپرست تیم مذاکره‌کننده حکومت اسلامی ایران، سعید جلیلی، پیشنهادی را ارائه کرد و شناسایی «حق غنی‌سازی» ایران را جزئی از شرایط ادامه مذاکره تعیین کرد.

در ماه مه ۲۰۱۳، مذاکراتی که از دو سال پیش بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به منظور تدوین «سند رهیافت ساختاری» شروع شده بود به بن‌بست خورد و بدون نتیجه ماند.

۱۴ جون ۲۰۱۳، حسن روحانی به ریاست جمهوری اسلامی ایران رسید و چند روز پس از ادای سوگند در ماه اوت اعلام کرد که ایران آماده است مذاکرات را از سر بگیرد و شفافیت بیشتری نشان بدهد تا نگرانی‌های جامعه بین‌الملل برطرف شود.

۲۶ سپتامبر در حاشیه اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، وزرای خارجه پنج به علاوه یک با ظریف وزیر خارجه ایران ملاقات کردند. روز بعد اوباما، تلفنی با روحانی تماس گرفت و به گفتگو پرداختند. این اولین باری بود که دو رئیس جمهور در طول ۳۵ سال اخیر با هم تلفنی صحبت کردند.

تا پایان سال ۲۰۱۳، حکومت اسلامی ایران و پنج به علاوه یک دو بار دیگر در ژنو و وین ملاقات و مذاکرات چند روزه‌ای داشتند و در فاصله این مذاکرات، به خصوص در مذاکرات ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳، در وین است که طرح موسوم به «اقدام مشترک» شکل می‌گیرد و مقرر می‌گردد طی یک دوره شش ماهه عملی شود. روزهای ۷ تا ۱۰ نوامبر، دروه حساس مذاکرات است. وزیر امور خارجه امریکا، جان کری، شخصا در مذاکراتی که در سطح وزرای امور خارجه انجام شد حضور پیدا می‌کند. اگرچه اولین دور مذاکرات ایران با پنج به علاوه یک در هفته دوم نوامبر ۲۰۱۳ در ژنو، در آخرین لحظات به بن‌بست رسیده، طرفین پذیرفتند که دو هفته پس از آن مذاکرات را از سر بگیرند.

در این میان کنگره و وزارت خزانه‌داری امریکا تقریباً بدون توقف به فشار از طریق تحریم ادامه داد و با هر مصوبه گنگره واحد جدیدتری در ارتباط با برنامه راکتی یا اتمی ایران مورد تحریم قرار گرفت.

در ماه آخر سال ۲۰۱۳، حکومت اسلامی ایران به آژانس اجازه داد تا از راکتور آب سنگین اراک بازدید کند. علاوه بر این طی چند نشست با پنج به علاوه یک و یا مقامات آژانس بالاخره به توافقی رسیدند و نهایتاً متن یک قرارداد تحت عنوان قرارداد همکاری تدوین کردند.

به موازات توافق‌هایی که با آژانس صورت گرفت حکومت اسلامی ایران، در طول ماه ژانویه به آن چه «موافقت‌نامه برای اقدام مشترک» نام گرفته رسید که اجرای آن از بیستم ژانویه عملاً آغاز شده و به طور خلاصه عبارتند از:

- متوقف ساختن غنی‌سازی در سطح ۲۰ درصد
- شروع به رقیق کردن و خنثی کردن اورانیومی که قبلا تا سطح بیست درصد غنی شده است
- متوقف کردن کارها در رآکتور آب سنگین اراک
- اجازه به آژانس که با برنامه‌ریزی از مراکز مورد توافق طرفین بازمینی منظم به عمل آورد.
در ۹ فوریه ایران و آژانس دیدار کردند تا در مورد نگرانی‌های آژانس در خصوص برنامه اتمی ایران بحث و گفت‌وگو کنند و توافق شد که در مورد چاشنی انفجاری موسوم به بریج‌وایر اقدام بیش‌تری صورت بگیرد تا استفاده احتمالی یا عدم استفاده ایران از این وسیله برای منظورهای نظامی معلوم شود.
بین حکومت اسلامی ایران و گروه کشورهای پنج به علاوه یک مذاکرات متعددی در ماه‌های فوریه، مارس، و آوریل سال جاری در شهر وین انجام شد و سرانجام از تاریخ ۱۳ ماه مه ۲۰۱۴ حکومت اسلامی ایران با گروه پنج به علاوه یک قدم اول را برای مکتوب کردن پیش‌نویس توافق‌نامه اجمالی برداشت.
یک هفته پس از آن در ۲۱ ماه مه، آژانس اعلام کرد پنج مورد دیگر از اقدامات باقی مانده که ایران باید تا قبل از ۲۵ اوت انجام بدهد. دو مورد از این فعالیت‌ها ابعاد نظامی اقدامات گذشته ایران را شامل می‌شود.
مذاکراتی که از روز دوم جولای جاری در ژنو آغاز شد به منظور خاتمه دادن به بن‌بست اتمی ایران و رسیدن به یک سند نهایی توافق‌نامه اقدام مشترک انجام شد که طی آن به طور خلاصه ایران نسبت به تأمین نظر و کسب اعتماد جامعه بین‌الملل در مورد غیرنظامی بودن برنامه هسته‌های اش اقدام عملی خواهد کرد و در مقابل جامعه بین‌الملل نسبت به برداشت تحریم‌های اقتصادی و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی عادی با ایران گام خواهد برداشت.

تجربه تاریخی وقایع پسا تحریم

حکومت وقت لیبیا، توافق‌نامه‌ای با آمریکا امضاء کرد و پرونده هسته‌ایش را در اختیار امریکائی‌ها قرار داد. سرهنگ «معمّر قذافی»، دیکتاتور سابق لیبیا به خاطر اصرار بر ادامه برنامه هسته‌ای زیر فشارهای متعدد دیپلماتیک قرار گرفت و به خاطر آن دولت آمریکا و متحدان غربی‌اش مجموعه‌ای از تحریم‌ها و مجازات‌ها را علیه لیبیا و ملت این کشور تحمیل کردند.
مردم لیبیا همانند مردم عراق و ایران، تحت فشار تحریم‌های شدید اقتصادی قرار گرفتند. و اسم لیبیا در لیست کشورهای حامی اقدامات تروریستی قرار گرفت.
هوآپیماها و نیروی هوایی آمریکا، همواره به نقض حریم هوایی و نقض حاکمیت این کشور با توجیحات مختلف دست زدند به طوری که آن‌ها امکانی هدف قرار دادند که سرهنگ قذافی در آن حضور داشت. آن‌ها در نهایت می‌خواستند در یکی از حملات هوایی خود، او را ترور کنند.
از سال ۱۹۷۹ میلادی، سالی که فشارها علیه مردم لیبیا آغاز شد و تا سال ۲۰۰۱ میلادی، سالی که مذاکرات به صورت رسمی میان دو کشور شروع شد، لیبیا زیر بار تحریم‌های شدید بین‌المللی بود که تمام عرصه‌های زندگی در این کشور را تحت تأثیر قرار داده بود.
در سال ۲۰۰۱ میلادی اولین جلسات مقدماتی برای مذاکره لیبیا با کشورهای غرب شروع شد، سپس در سال ۲۰۰۳ میلادی بعد از حمله آمریکا به عراق مذاکرات لیبیا و غرب شکل دیگری به خود گرفت و جدی‌تر شد.
قذافی پذیرفت که مسؤولیت حمله به هوآپیماهای متعلق به شرکت «پان آمریکن» را بر عهده بگیرد، این حادثه در عرصه بین‌المللی تحت عنوان حادثه «لاکربی» شناخته شد. او تصمیم گرفت که به قربانیان این حمله غرامت پرداخت

کند و از طرف دیگر تصمیم گرفت، برای لغو تمام تحریم‌های تحمیلی علیه لیبیا وارد مذاکره با امریکائی‌ها شود. در مقابل لیبیا نیز به طور کلی از حق خود در زمینه داشتن برنامه مسالمت‌آمیز هسته‌ای چشم پوشی کند.

با وجود حجم زیاد شروط و درخواست امریکا قذافی با همه آن‌ها موافقت کرد، از جمله این شروط و درخواست امریکا این بود که: لیبیا تمام تأسیسات هسته‌ای خود را تخریب کرده و آن را به خارج از خاک لیبیا و به کشوری که امریکا مشخص می‌کند، منتقل کند و این که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به صورت نامحدود اجازه بازرسی از تمام تأسیسات هسته‌ای مربوط به غنی سازی، تولید و صنعتی کردن را داشته باشند.

لیبیا که به خاطر برنامه هسته‌ایش زیر فشارهای شدید بود، سرانجام مجبور شد تا اطلاعات مربوط به چگونگی دستیابی به تجهیزات و تأسیسات انرژی هسته‌ای خود را در اختیار طرف‌های غربی قرار دهد، علاوه بر این لیبیا از طرف خود اعلام کرد که آماده همکاری کامل با امریکا در زمینه نابودی تروریسم در خاک این کشور و گروه تروریستی «القاعده» و عناصر آن را دارد.

بعد از موافقت با تمامی شروط و درخواست‌های امریکا، چند مورد از تحریم‌ها علیه این کشور لغو شد، ولی در عین حال رئیس سرویس‌های اطلاعاتی سازمان سیا و سفیر وقت امریکا در اسرائیل به شدت به تلاش‌ها برای لغو تحریم‌های لیبیا اعتراض و اتهامات متعددی را علیه نظام این کشور مطرح کردند.

در سال ۲۰۰۴ میلادی یعنی یک سال پس از نزدیکی لیبیا و امریکا به هم، لیبیا پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء کرد و در ب‌های نیروگاه‌های هسته‌ای خود را به روی بازرسان امریکائی و انگلیسی برای ورود به خاک این کشور و تخریب تأسیسات، تجهیزات و سلاح‌های هسته‌ایش باز کرد.

با استناد به اطلاعاتی که منابع لیبیا در آن زمان منتشر کرده‌اند، برای همگان معلوم شد که این سفرهای مکرر به لیبیا که به نوبه خود شکل روابط این کشور با کشورهای جهان، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را مشخص می‌کند، باعث شد اطلاعات مهم و محرمانه لیبیا به بیرون درز پیدا کند و آن اطلاعاتی جزئی مربوط به زیر ساخت‌ها و نقاط استراتژیک و حساس این کشور بود.

در مقابل انگلیس در سال ۲۰۰۶ میلادی توافقنامه نظامی و امنیتی با لیبیا امضاء کرد که تحت عنوان «پیام مشترک در مورد صلح و امنیت میان دو کشور» شناخته شد، به موجب این توافقنامه انگلیس باید از لیبیا در مقابل هرگونه حمله خارجی حمایت و پشتیبانی می‌کرد.

از سوی دیگر امریکائی‌ها نیز با هدف اثبات حسن نیت خود یادداشت تفاهم و همکاری اقتصادی با تأکید بر همکاری نفتی با لیبیا امضاء کردند. اما هنوز پنج سال از امضای این توافقنامه سپری نشده بود که با بال گرفتن اعتراضات مردم علیه حکومت قذافی، امریکا به همراه انگلیس، شروع به بمباران خاک لیبیا کرد. در حالی که انگلیس که زمانی متعهد شده بود در مقابل هرگونه حمله نظامی علیه لیبیا از این کشور دفاع کند، تحت عنوان نیروهای انتلاف یا نیروهای ناتو در حمله علیه لیبیا شرکت کرد، حتی فراتر از این مسوولان انگلیسی در آن زمان موضع دیگر اتخاذ کرده و اعلام کردند که در صورت تداوم ناآرامی‌ها در لیبیا، نیروهای خود را در خاک لیبی باقی نگه خواهند داشت، حوادث بدین شکل ادامه یافت تا این که حکومت سرهنگ قذافی سرنگون شد.

اکنون کشور لیبی، بین گروه‌های مسلح تروریستی نظامی و اسلامی، به خصوص داعش تقسیم شده است.

در مورد عراق نیز با شروع جنگ اول خلیج فارس و حمله عراق به کویت که در آن زمان پایگاه و مقر نظامیان امریکائی و یکی از مهم‌ترین نقاط و مراکز استراتژیک امریکا در خلیج فارس بود این حمله منجر به تیرگی روابط امریکا و عراق شد و همین امر باعث شد، سازمان ملل متحد تحریم‌های شدیدی را علیه این کشور اعمال کند.

از سال ۱۹۹۱ میلادی یعنی حمله عراق به کویت، امریکا فصل‌های جدیدی را از سلاح‌های شیمیایی در عراق شروع و تلاش کرد، بازرسان بین‌المللی را وارد عراق کند. در سال ۱۹۹۸ میلادی صدام حسین شروع به همکاری با امریکا و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی کرد و به بازرسان بین‌المللی اجازه ورود به مراکز حساس در عراق را داد و این مراکز را تحت نظارت و کنترل آن‌ها در آورد. همچنین دسترسی در مورد اجازه بازرسان برای ورود به بیش از ۸ پایگاه نظامی که به صورت مستقیم با پایگاه ریاست جمهوری عراق در ارتباط بودند، را صادر کرد و قانون آزادی عراق به خاطر تغییر حکومت در این کشور به مرحله اجرا درآمد.

با وجود تمام این همکاری‌ها و گام‌های مثبت در بیانیه صادر شده توسط بازرسان سازمان ملل متحد اعلام شد که عراق همکاری خوبی با بازرسان ندارد و این امر باعث شد، امریکا به عراق حمله نظامی کند و همزمان با آن شروع جنگ دوم خلیج فارس در روزهای پایانی ۱۹۹۸ را اعلام کرد.

سپس در سال ۲۰۰۲ میلادی صدام حسین بار دیگر به بازرسان اجازه ورود به عراق را داد، ولی تصمیم جنگ علیه عراق در شورای امنیت و سازمان ملل متحد اتخاذ شده بود.

با این که صدام حسین با تصمیم شورای امنیت مبنی بر کنار گذاشتن سلاح‌های شیمیایی که در اختیار دارد، موافقت کرده بود و با وجود همکاری دولت عراق، جرج بوش پسر در سال ۲۰۰۳ میلادی به صورت گسترده‌ای به عراق حمله کرد و توانست حکومت بعث عراق را سرنگون کند.

از آن زمان تا به امروز مردم عراق و لیبیا، هر لحظه و هر روز شاهد حلقه‌هایی از کشتارها، خونریزی‌ها، انفجارها و عملیات تروریستی هستند و دولت امریکا بارها اعلام کرده است که تصمیم حمله به افغانستان و عراق را به خاطر «هدیه کردن صلح، امنیت و ثبات» به مردم عراق و افغانستان و لیبیا اتخاذ کرده است، در حال حاضر شرایط مردم هر یک کشور به گونه‌ای است که از زمان حمله امریکا و متحدانش به این سه کشور آن‌ها روی صلح، امنیت و آرامش را ندیده‌اند.

بنابراین تاریخ اثبات کرده است که بدون تردید، نمی‌توان به حاکمیت امریکا و متحدانش و به طور کلی همه حکومت‌های سرمایه‌داری از نوع مدعی دموکراسی، نظامی، فاشیستی و اسلامی، تکیه و به وعده‌ها و تعهدات آن‌ها اعتماد کرد.

میزان دارائی‌های بلوکه‌شده ایران

در حال حاضر یک دعوای جدید بین جناح‌های درونی حکومت اسلامی، بر سر مبالغ بلوکه‌شده ایران در خارج کشور است. در روزهای اخیر، رقم‌های متناقضی از میزان دارائی‌های بلوکه شده ایران در خارج از کشور از زبان مسؤولان حکومتی ایران منتشر یا شنیده شده است، در تازه‌ترین اظهارات، غلامرضا مصباحی مقدم عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در این باره می‌گوید ایران حدود ۱۳۰ میلیارد دلار ذخایر خارجی دارد که در حساب‌های بانک مرکزی در خارج از کشور هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر، مصباحی مقدم تمامی مطالبات بانک مرکزی در خارج از کشور را درآمدهای نفتی خوانده که به صورت پول‌های بلوکه شده در خارج از کشور تبدیل شده‌اند. البته این نماینده اصول‌گرای مجلس بعداً در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا تصحیح کرده که منظورش از ۱۳۰ میلیارد دلار ذخایر خارجی بلوکه شده تنها ارزهای خارجی نبوده و شامل ذخایر طلای ایران هم می‌شود.

یک روز پیش از این اظهارات، مهرداد بذریاش یکی دیگر از نمایندگان اصول‌گرا در مجلس ایران در صفحه اینستاگرام خود با مقایسه اظهارات اخیر رئیس بانک مرکزی ایران که گفته است ذخایر بلوکه شده در خارج ۲۹ میلیارد

دالر است و اظهارات استاندار تهران که گفته است این ذخایر ۱۸۰ میلیارد دلار است، این پرسش را مطرح کرده که ظرف یک ماه ۱۵۲ میلیارد دلار کجا رفته است.

همچنین برخی از سایت‌های اصول‌گرایان از دولت خواسته‌اند تا درباره رقم دقیق میزان دارایی‌های بلوکه شده ایران در خارج از کشور روشن‌گری کند.

تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد، امریکا و اتحادیه اروپا که برای توقف برنامه غنی‌سازی علیه ایران وضع شده به شدت به اقتصاد ایران ضربه زده است. برآورد می‌شود که این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۲ میلادی تا کنون، بیش از ۱۶۰ میلیون دلار به درآمدهای نفتی ایران زیان وارد کرده است. بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک، ایران به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌هایش که در بانک‌های خارجی مسدود شده‌اند دسترسی پیدا خواهد کرد. حکومت اسلامی ایران، همچنین خواهد توانست صادرات نفت را بدون محدودیت از سر بگیرد. اما برای مدرنیزه کردن تکنولوژی نفتی نیاز به ده‌ها میلیارد دلار دارد.

بحث میزان دارایی‌ها و ذخایر ارزی ایران در خارج از کشور که در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها بلوکه شده‌اند، درگیری جدید میان دولت و اصول‌گرایان است. دو طرف تاکنون رقم‌های مختلفی را در این باره اعلام کرده‌اند. از ۱۳۰ میلیارد دلار تا ۲۹ میلیارد دلار و حتی مسأله خرج شدن بخشی از این منابع.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا، در سخنرانی خود پس از توافق هسته‌ای، گفته بود که ایران براساس این توافق مبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار از منابع مالی بلوکه شده خود در غرب را بار دیگر در اختیار خواهد گرفت. اما بلافاصله مسؤولان دولتی نسبت به سخنان اوباما واکنش نشان دادند و میزان کل این مبلغ را حدود ۲۹ میلیارد دلار اعلام کردند.

به گفته ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی، ۲۳ میلیارد دلار از این پول‌ها در ژاپن، کره جنوبی و امارات بلوکه شده و شش میلیارد دلار درآمد ناشی از فروش نفت نیز در کشور هند است. این مبلغ توسط علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد، نیز تأیید شد: «در خصوص اعداد دارایی‌های ارزی که قرار است به اقتصاد ایران بازگردد، مبالغاتی شده است که واقعیت ندارد... عدد ۱۲۰ میلیارد دلاری از دارایی‌های بلوکه شده ایران که توسط برخی رسانه‌ها بیان می‌شود، صحیح نیست.»

همزمان غلام‌علی کامیاب، معاون بانک مرکزی، گفت که مجموع «منابع بلوکه شده» بانک مرکزی در خارج از ایران بیش از ۸۹ میلیارد دلار است، اما میزان «منابع قابل استفاده» حدود ۲۹ میلیارد دلار خواهد بود. براساس آنچه کامیاب اعلام کرده منابع آزاد شده بانک مرکزی ۲۳ میلیارد دلار، منابع آزاد شده متعلق به دولت و حاصل از فروش نفت ۶ میلیارد دلار، وثیقه چین برای تأمین مالی پروژه‌ها ۲۲/۴ میلیارد دلار، سپرده‌گذاری در شرکت‌های زیرمجموعه نفت ۲۴/۵ میلیارد دلار، سپرده نزد بانک‌های ایرانی ۱۰ میلیارد دلار و اوراق قرضه مسدود شده ۳/۷ میلیارد دلار است.

طی سال‌های گذشته اخبار مختلفی درباره میزان پول‌های بلوکه شده ایران در کشورهای دیگر منتشر شده بود. برای مثال محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت، تنها میزان پول‌های بلوکه شده در چین را ۲۲ میلیارد دلار دانسته بود. کاظم جلالی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز مجموع پول‌های بلوکه شده را ۶۰ میلیارد دلار عنوان کرده بود. غلام‌رضا مصباحی‌مقدم، نماینده مجلس، خبر از ذخیره ۱۳۰ میلیارد دلاری بانک مرکزی در خارج از کشور داده بود. یحیی آل‌اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز گفته بود که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از پول‌های ایران بلوکه شده است. در نهایت و حدود یک ماه پیش نیز استاندار تهران خبر از بلوکه شدن ۱۸۰ میلیارد دلار از پول‌های ایران در خارج از کشور خبر داده بود.

ابتدای هفته جاری موسی‌الرضا ثروتی، از نمایندگان اصول‌گرای مجلس، گفته بود که «پول‌های بلوکه شده با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته‌ای که قبلاً صورت گرفته، هزینه شده است و دولت نمی‌تواند این پول‌ها را خرج کند.» این مسأله پیش از این مورد اشاره محمود بهمنی، رئیس سابق بانک مرکزی، نیز قرار گرفته بود. به گفته بهمنی این

نخایر قبلا توسط دولت به بانک مرکزی فروخته شده و معادل ریالی آن را از این بانک دریافت کرده بود، در نتیجه این نخایر قابل خرج نیستند.

جمع‌بندی

در جمع‌بندی می‌توان به صراحت تأکید کرد که کلیت حکومت اسلامی ایران، و در رأس آن سیدعلی خامنه‌ای، تنها هنرشان محدود به تجاوز، دزدی، رانت‌خواری، وحشت‌آفرینی و ترور، و شکنجه و اعدام نیست، بلکه هنر بزرگشان دروغ گفتن به مردم و تحریف و پرده‌پوشی حقایق و ریاکاری است. این نوع سناریوها و کشمکش‌ها در امریکا و اسرائیل و نیز در جریان است. اما همگان می‌دانند که همه طرفین درگیر و ذی‌نفع در مناقشه اتمی ایران، از حکومت اسلامی گرفته تا اتحادیه اروپا، امریکا، اسرائیل، روسیه، چین و...، همگی به دنبال منافع اقتصادی خود هستند و هیچ‌کدام دل‌شان به حال و روزگار فلاکت بار اکثریت مردم ایران نمی‌سوزد. چرا که ماهیت سیستم سرمایه‌داری و همه حکومت‌های سرمایه‌داری از امریکا تا ایران، از فرانسه تا عراق، همگی ستم‌گر و استثمارگر و خشونت‌طلب هستند که در راستای منافع سرمایه‌داری خود و سرکوب و منزوی کردن گرایش‌های سوسیالیستی و کمونیستی ضد سرمایه‌داری، حتا گروه‌های تروریستی اسلامی همچون القاعده، طالبان، بوکوحرام، داعش و یا حکومت شیعه عراق و ایران، سنی عربستان و... را تقویت کنند و به جان و زندگی کودکان، زنان، سالمندان و همه و همه بیاندازند.

یک کمیته مشترک متشکل از نمایندگان گروه ۱+۵، اتحادیه اروپا و ایران، برای نظارت بر اجرای توافق نهائی تأسیس خواهد شد. اگر این کمیته نتواند مناقشه را حل و فصل کند موضوع به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده خواهد شد.

ایران، همچنین پذیرفته است که تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل متحد علیه این کشور تا پنج سال آینده ادامه پیدا کند، گرچه این احتمال وجود دارد که اگر آژانس اتمی از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران ابزار اطمینان کند، تحریم‌های تسلیحاتی زودتر از موعد پنج سال لغو شوند. تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه برنامه راکت‌های بالستیک ایران حداکثر تا ۸ سال آینده به قوت خود باقی خواهند ماند.

به علاوه مقامات امریکای می‌گویند تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید نکند که ایران به تعهداتش در برنامه جامع اقدام مشترک عمل کرده است، تحریم برطرف نخواهند شد. اگر ایران به برخی تعهداتش عمل نکند، تحریم‌های سازمان ملل متحد به طور اتماتیک علیه این کشور وضع خواهند شد، و این تحریم‌ها می‌تواند تا پنج سال بعد هم تمدید شوند.

به این ترتیب، هنوز روشن نیست که نتیجه این توافقات و روابط حکومت اسلامی ایران و امریکا و عربستان و اسرائیل، به کجا منجر خواهد شد؟ جنگ داخلی و سرنوشت حکومت‌های سوریه و عراق، و نقش حکومت اسلامی و سپاه قدس این حکومت به فرماندهی پاسدار قاسم سلیمانی به کجا خواهد رسید؟ یا دعوی جناح‌بندی‌های درونی حکومت اسلامی به کجا خواهد رسید؟ مهم‌تر از همه، جامعه ایران به ویژه کارگران و محرومان جامعه چقدر این همه بی‌حقوقی و سرکوب، فلاکت و اعدام، تبعیض و استثمار را تحمل خواهند کرد؟ اما آنچه مسلم است تغییر رفتار جامعه بین‌الملل و حکومت اسلامی ایران به پرچمداری امریکا صورت گرفته و در بسیاری موارد شخص رئیس‌جمهور امریکا نسبت به تعدیل نظرات مخالف داخلی و بین‌المللی، تلاش بیش‌تری به خرج داده است.

با توجه به این که هنوز بخشی از سیاست ایران، امریکا و جهان، در مورد نتایج نهائی این توافقات تردیدهائی دارند. رفتار سران و جناح‌های حکومت اسلامی ایران، چندان قابل پیش‌بینی نیست. در امریکا نیز توافق با حکومت اسلامی، به یک جدال مهم انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو تبدیل شده است.

به علاوه در حالی که نهاد حقوق بشری عفو بین‌الملل، با انتشار بیانیه‌ای از افزایش قابل توجه تعداد اعدام‌ها در ایران در نیمه اول سال جاری میلادی خبر داده است مقامات و شرکت‌های دولت‌های سرمایه‌داری غربی یکی پس از دیگری راهی تهران می‌شوند تا از بازار ۸۰ میلیون مصرف‌کننده جامعه ایران، به خصوص از نیروی کار ارزان و خاموش سهم خود را ببرند.

این سازمان در بیانیه‌اش گفته در ۶ ماه نخست سال ۲۰۱۵ میلادی، ۶۹۴ نفر در ایران اعدام شده‌اند که نشان دهنده اعدام ۳ نفر در هر روز است. عفو بین‌الملل گفته در صورت تداوم این روند، انتظار می‌رود تعداد اعدام‌ها در ایران در پایان سال با عبور از رقم هزار نفر به رکورد تازه‌ای برسد. عفو بین‌الملل رقم اعدام‌ها در سال گذشته در ایران را ۷۴۳ نفر اعلام کرده بود. ایران پس از چین بالاترین میزان تعداد اعدام‌ها در دنیا را دارد.

اما سران و مقامات حکومت‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری جهانی، بدون توجه به این همه جنایات حکومت اسلامی، برای رفتن به تهران با همدیگر مسابقه گذاشته‌اند. پس از سفر هیئت بزرگ تجاری المان به ایران که در پی توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ صورت گرفت، این بار قرار است وزرای خارجه و توسعه اقتصادی ایتالیا روز ۱۳ مرداد راهی تهران شوند.

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، روز چهارشنبه ۳۱ تیر، نوشت که خبر سفر دو وزیر ایتالیایی به تهران را سفارت ایران در ایتالیا اعلام کرده است. بنا بر این گزارش، پائولو جنتیلونی، وزیر امور خارجه ایتالیا، در سفر به تهران با تمامی مقامات بلندپایه ایران، از حسن روحانی رئیس‌جمهور گرفته تا همتای خود، محمدجواد ظریف، ملاقات خواهد کرد. وی همچنین در حال آماده‌سازی انجام سفری به عربستان سعودی است.

فدریکا گوئیچی، وزیر توسعه اقتصادی ایتالیا، نیز که جنتیلونی را در سفر به تهران همراهی می‌کند، اعلام کرده که تصمیم دارد با تمامی مسئولان وزارتخانه‌های اقتصادی ایران ملاقات کند.

در سفر هیئت ایتالیایی به تهران، نمایندگان شرکت‌های مهم ایتالیایی از جمله آنسالدو، فین مکانیک (صنایع دفاع ایتالیا)، آناس (شرکت بزرگراه‌های ایتالیا)، آبی (اتحادیه بانک‌های ایتالیا) وزیر توسعه اقتصادی این کشور را همراهی خواهند کرد.

در حالی که در سال‌های اخیر مبادلات تجاری میان دو کشور از بیش از ۷ میلیارد یورو، به یک و نیم میلیارد کاهش یافته، در سه‌ماهه نخست سال جاری، صادرات ایتالیا به ایران ۳۲ درصد و واردات آن کشور از ایران ۱۲۰ درصد رشد داشته است.

خبر سفر هیئت ایتالیایی پس از آن مخابره می‌شود که یک هیئت بزرگ تجاری المانی به سرپرستی زیگمار گابریل، وزیر اقتصاد این کشور، روز یکشنبه ۲۸ تیر، و تنها پنج روز پس از اعلام توافق اتمی ایران و گروه ۱+۵ به تهران سفر کرد.

دستیابی ایران و قدرت‌های غربی به توافق هسته‌ای افزایش تماس مقامات غربی با ایران را در پی داشته و در همین راستا، سباستین کورتز، وزیر امور خارجه اتریش، روز شنبه خبر داد که رئیس‌جمهوری این کشور سپتامبر سال جاری به تهران سفر خواهد کرد.

از سوی دیگر لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه، نیز اعلام کرده است که هفته آینده به دعوت همتای ایرانی خود محمدجواد ظریف به ایران سفر خواهد کرد؛ برخلاف المان، فابیوس هیئتی تجاری با خود به تهران نخواهد برد. در همین حال اما یک دیپلمات ارشد فرانسوی گفته است که یک هیئت تجاری فرانسوی شامل نمایندگان حدود ۸۰ شرکت این کشور در ماه سپتامبر (دو ماه آینده) به تهران سفر خواهند کرد.

خبرگزاری صداوسیما روز چهارشنبه خبر داد که یک هیئت تجاری هند شامل نمایندگان ۱۰ شرکت صنعتی بزرگ آن کشور با حضور در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران با فعالان بخش خصوصی ایران دیدار کرد. بنا بر این گزارش، این هیئت تجاری که به سرپرستی آدیا گوش، معاون کنفدراسیون صنعت هندوستان، به ایران آمده در حوزه‌های مختلفی مانند تولید ماشین‌آلات، انرژی‌های جدید، نساجی، برق و تجهیزات نیروگاهی، نفت و گاز و پتروشیمی، حمل‌ونقل، ماشین‌های بخار، مواد شیمیایی، لوازم خانگی و برنج فعالیت دارد. همین نمونه‌ها نشان می‌دهد که سران دولت‌های سرمایه‌داری، از واژه «حقوق بشر» به عنوان رقابت و پیش‌برد منافع اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی خود استفاده می‌کنند و عملاً کمترین اهمیتی به نقض حقوق بشر در ایران و در دیگر نقاط جهان نمی‌دهند.

در چنین شرایطی، مردم آزاده ایران و در پیشاپیش همه جنبش کارگری کمونیستی ایران، نباید به این‌گونه تبلیغات و توهم‌پراکنی‌های دولت‌های جهانی و جناح‌های جنایت‌کار حکومت اسلامی و رسانه‌ها و تحلیل‌گران آن‌ها، اهمیت دهند و در انتظار حوادث خودبه‌خوی بمانند. بنابراین، این جنبش باید با طرح و برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت خود، حرکت کند و یک مبارزه طبقاتی جدی و پیگیر و مداومی را علیه کلیت حکومت سرمایه‌داری اسلامی ایران، سازمان‌دهی کرده و هدایت کند. تنها با سرنگونی این حکومت است که جامعه ایران و حتی مردم منطقه نیز به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی خواهند رسید!

پنج‌شنبه یکم مرداد [اسد] ۱۳۹۴ - بیست و سوم جولای ۲۰۱۵